

ژان لوک لَگرس

دوست آخر دنیا و داستان عشق

(سنگش وضعیت)

مترجم: زیبا خادم حقیقت

www.ketab.ir

سرشناسه: لاگارس، ژان-لوک، ۱۹۵۷ م - Lagarce, Jean-Luc
عنوان و نام پدیدآور: درست آخر دنیا و داستان عشق ژان لوک لگرس؛ مترجم زیبا خادم حقیقت
تهران: نشر نیماژ، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۷-۳۸۴-۷
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Théâtre complet.
موضوع: نمایشنامه فرانسه - قرن ۲۰. French drama -- 20th century
شماره‌ی افزودن: خادم حقیقت، زیبا، ۱۳۴۹ - مترجم
رده‌بندی کنگره: ۴۱۳۹۶ د ۷۳ الف/۲۶۳۸ PQ رده‌بندی دیویی: ۹۱۴/۸۴۲
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۸۸۷۵۴۲

ژان لوک لگرس درست آخر دنیا و داستان عشق (سنجش وضعیت) مترجم: زیبا خادم حقیقت

نشر: نیماژ/ دبیر تحریریه: اصغر نوری/ ویرایش: تحریریه‌ی نیماژ
صفحه‌آرا: یاسمین حشدری/ طراح جلد: محب جهانبان
لیتوگرافی: ترنج/ چاپ و صحافی: رفاه
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶/ تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه
ISBN: 978-600-367-384-7

نشر
نیماژ

فروشگاه مرکزی: خیابان کریم‌خان زند، خیابان خردمند جنوبی، نبش کوچه یگانه،
کتاب‌فروشی فراموشی، تلفن: ۸۸۸۴۲۰۶۰
فروشگاه: خیابان شریعتی، نرسیده به خیابان دولت، شماره ۱۵۷۱
تلفن: ۲۲۶۰۲۵۵۵
دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان شهدای ژاندارمری
شماره ۸۸، تلفن: ۶۶۴۱۱۴۸۵

حق چاپ و نشر انحصاراً محفوظ است.

اینستاگرام: nimajpublication

Site: www.nimaj.ir Email: nashr.nimajh@gmail.com

۰۹۱۹۵۱۴۴۱۰۰

مقدمه‌ی مترجم

«(خواسته‌ی من) حکایت کرد دنیا است، سهم ناقابل و ناچیز من از دنیا، سهمی که از آن من است، و نوشتن و اجرای این برده‌ی صحنه»^۱

ژان سلوک لگرس^۲ (۱۹۹۵-۱۹۵۷) نمایش نامه‌نویس و کارگردان معاصر فرانسوی است که در مقایسه با دیگر نمایشنامه‌نویسان معاصر، امروزه آثارش بیشترین اجراها را بر صحنه‌های تئاتر فرانسه و دنیا سودا اختصاص داده است. با این‌که او همواره دراماتورژی بوده که بیشتر به متن اعتقاد داشته به کارگردانی -چرا که تئاتر او همانند تئاتر ویناور^۳ و کلتس^۴ و نوریس^۵ به ادبیات نزدیک می‌شود و می‌تواند خارج از صحنه هم موجودیت مستقلی داشته باشد- باعث تعجب است که

1. Lagarce, Jean-Luc, *De luxe et de l'impuissance*, Les Solitaires intempestifs, Besançon, 2008, p.41.

2. Jean-Luc Lagarce

3. Michel Vinaver

4. Bernard-Marie Koltès

5. Valère Novarina

در زمان حیاتش بیشتر به عنوان کارگردان شناخته شده بود تا یک نمایشنامه‌نویس برجسته و برخلاف گلنس که آثارش خیلی زود توجه کارگردانان مطرح خصوصاً پتریس شرو^۱ را به خود جلب می‌کند، تنها پس از مرگ اوست که سرانجام کارگردانانی غیر از خودش آثارش را بر صحنه به اجرا درمی‌آورند و تنها سال‌ها بعد است که ارزش نمایشنامه‌های او به‌راستی شناخته می‌شود. شاید به این دلیل که زبان نمایشی آثار او رایج و ساده‌ای خود ناآشنا و به نوعی بسیار نوآورانه بوده است. به‌طور قطع این زبان پراحساس، زنده، شاعرانه و دقیق‌حزبانی که امروز مهر «زبان لگرسی» را بر خود دارد - عنصر اصلی نوشتار تئاتری لگرس است که با ظرافت تمام با سکوت درآمیخته و دنیای سرشار از حس و استیلا^۲ او را می‌سازد که اساسش بر بازگشت به خود و در نتیجه تفکر در مورد خود بنا نهاده شده است. آثار او عموماً حول جهان خانواده و زندگی خصوصی می‌چرخد: بازگشت به - انه، نزاع‌های بی‌پایان خانوادگی یا دوستانه، یادآوری خاطرات گذشته و مرسی که نزدیک می‌شود یا مرگی که اصولاً حضور دارد.

«تکرار» یکی دیگر از خصوصیات بار لگرس است که از یک‌سو جنبه‌ی اتوبیوگرافی به بسیاری از نمایشنامه‌های او بخشیده و از سوی دیگر برخی از آنان را ادامه‌ی آثار پیش از خود کرده است. «داستان عشق» (منبعش وضعیت)^۳ « (۱۹۸۳) نمایشنامه‌ای است که در اصل بخش اول نمایشنامه‌هایی است که به مدت هفت سال ذهن نویسنده را به خود مشغول داشته: «دوسکس، رمان»^۴ (۱۹۷۶) و «واپسین ندامت‌های پیش از فراموشی»^۴ (۱۹۸۷) و در پایان، «داستان عشق» (فصول

1. Patrice Chéreau

2. Histoire d'amour

3. De Saxe, roman

4. Derniers remords avant l'oublie

واپسین)» (۱۹۹۰). در این نمایشنامه سه شخصیت دو مرد و یک زن پس از سال‌ها جدایی، یکدیگر را در شهری که جنگ آن را ویران ساخته باز می‌یابند و هر یک زندگی خود را در طی این سال‌های جدایی روایت می‌کنند. این اثر بیشتر معرف نوشتار «تکرار و باز نوشتن» است، این‌که چطور یک داستان مشترک توسط افراد متفاوت حکایت می‌نماید، شخصیت‌هایی که به آن‌چه دیگری می‌گوید گوش نمی‌دهند و به این ترتیب بازگویی خاطرات‌شان شکل موازی به خود می‌گیرد و در طول گفت‌وگوها روایت بی‌وقفه تغییر می‌دهد. این‌جا روایت منحصر به یک داستان نمی‌شود بلکه حکایت هر فرد داستان‌های مختلفی را دنبال دارد. به همین جهت بدیهی است که حتی خود نویسنده هم نمی‌توانسته بر روی این ایدئولوژی داستان این عشق مقدر کند که مثل کتابی که یکی از شخصیت‌ها قصد نوشتن آن را دارد تا به ابدیت در حال بازنویسی و تکرار است.

«درست آخر دنیا» (۱۹۹۰)، یکی از مهم‌ترین نمایشنامه‌های لگرس است که در آن به زیبایی به دو مضمون بازگشت می‌پردازد. داستان بسیار ساده است: پسر ارشد خانواده پس از سال‌ها دوری دلیل رفتن او هیچ‌گاه مشخص نمی‌شود در یک روز یکشنبه به خانه و نزد خانواده باز می‌گردد. تا به آن‌ها اطلاع دهد به زودی خواهد مرد. روز به پایان می‌رسد و او بار دیگر از آرزوی خود بدون آن‌که کلمه‌ای از این مرگ غیرقابل اجتناب گفته باشد. (قابل ذکر است که، لگرس در آخرین

1. Histoire d'un amour (Dernières chapitres)

۲. *Juste la fin du monde* در عنوان این اثر در واژه‌ی *Juste* ابهامی است که می‌تواند مترجم را دچار تردید کند. در زبان فرانسه این واژه هم به معنای «فقط» است و هم معنای «دقیق» و «درست». مترجمان انگلیسی زبان آن را به *Only* برگردانده‌اند و نه *just* ولی با توجه به دقت لگرس در انتخاب واژگان و آن‌چه که در خود متن آمده می‌توان به وضوح دریافت معنای «فقط» نمی‌تواند مورد نظر خالق اثر باشد. برای درک بیشتر رجوع شود به سایت رسمی لگرس و سمینار «Maryse Adam-Maillet». (مترجم)

نمایشنامه‌ی خود «کشوری در دوردست» (۱۹۹۵) بار دیگر به همین داستان و تقریباً با همین شخصیت‌ها پرداخته است. (ظاهراً در این داستان هیچ اتفاقی نمی‌افتد ولی مسئله این است که اصولاً مفهوم «اتفاق» شکل متعارف خود را از دست داده است. در این جا هم اتفاق در زبان می‌افتد. در آنچه که شخصیت‌ها می‌دانند و به نظر می‌آید آن‌ها زیادی حرف می‌زنند برای این که چیز زیادی نگویند. در واقع حرف زدن نزد لگرس مایه‌ی دردسر است چرا که باعث درد و آزار می‌شود و جدال لفظی میان شخصیت‌ها بی‌پایان و بی‌نتیجه است و می‌تواند تا به ابد ادامه یابد و تکرار مآثرات، صیغی‌ها و تعلیقاتی که در کلام شخصیت‌هاست زبان خاص اثر را می‌سازد. به عبارتی حرکت فکری و حرکت کلامی به هم وابسته‌اند و تکرارها و واریاسون‌ها کلام را به مکانی آرام تبدیل می‌کنند.

از دیگر آثار او علاوه بر در مجلد «دفتر خاطرات روزانه»^۱ ی شخصیت لگرس می‌توان به «این جا یا جای دیگر»^۲ (۱۹۸۱)، «خاطراتی مبهم از سال طاعون»^۳ (۱۹۸۲)، «سالن موسیقی»^۴ (۱۹۸۹)، «ما، قهرمانان»^۵ (۱۹۹۳)، «در خانه‌ام بودم و منتظر بودم باران بیاید»^۶ (۱۹۹۴)، «قواعد آداب معاشرت در جامعه‌ی مدرن»^۷ (۱۹۹۴) و... اشاره کرد.

-
1. Le pays lointain
 2. Le jour
 3. Ici ou ailleurs
 4. Vague souvenirs de l'année de la peste
 5. Music-hall
 6. Nous, les héros

۷. «در خانه‌ام ایستاده بودم و منتظر بودم باران بیاید» ترجمه و در سال ۱۹۸۴ در نشر نی به چاپ رسیده است. (مترجم)

8. Les règles de savoir-vivre dans la société moderne